خبر

سپاه پاسداران در بیانیه‌ای به مناسبت سالگرد شهادت اسماعیل هنیه تاکید کرد

توطئه خلع سلاح حماس شکست خواهد خورد

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای باگرامیداشت دومین سالگرد شهادت اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، شهادت این رهبر فرزانه را موجب تقویت عزم راسخ و اراده پولادین ملت فلسطین و رزمندگان حماس برای ادامه راه پرافتخار او، تعمیق گفتمان مقاومت و فراگیر شدن موج حمایت از فلسطین در اقصی نقاط عالم دانست. این بیانیه می‌افزاید: با گذشت دو سال از جنایت رژیم صهیونیستی در ترور شیخ اسماعیل هنیه و تداوم نسل‌کشی و افزایش جنایت‌های قرون وسطایی صهیونیست‌ها در غزه و گسترش جنگ و جنایت به جنوب لبنان و سپس آغاز جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم با همراهی رئیس جمهور پلید و اهریمن صفت آمریکا و ارتش تروریستی این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران، امروز بیش از هر زمانی ماهیت تروریستی و جنایتکارانه این رژیم بر همگان آشکار شده است. امروز گفتمان مقاومت ضد سلطه و ضد صهیونیستی در عرصه بین‌المللی به پویایی و تأثیرگذاری کم‌نظیری دست یافته است. امواج خروشان بیداری و حمایت از ملت مظلوم فلسطین در سراسر جهان، در قالب اعتراضات گسترده و محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی، نشان از آن دارد که وجدان‌های بیدار جهانی، فریب تبلیغات فریبنده مدعیان دروغین حقوق بشر را نخواهند خورد. این بیانیه در پایان، خونخواهی رهبر شهید انقلاب و شهید اسماعیل هنیه، قطعی و پاسخ به این جنایت‌های بزرگ را سخت و کوبنده قلمداد و با تاکید بر این‌که توطئه خلع سلاح حماس راه به جایی نخواهد برد و از هم اکنون شکست خورده، تصریح کرده است: راه شهید هنیه، راه عزت، کرامت و آزادگی است و این راه تا تحقق کامل آرمان‌های فلسطین و نابودی غاصبان قدس شریف، تداوم خواهد یافت. ما به جهانیان نوید می‌دهیم که سرافرازی مقاومت ضدصهیونیستی خلل‌ناپذیر و به فضل الهی پیروزی نهایی فلسطین در برابر اشغالگران، نزدیک‌تر از آن چیزی است که دشمنان تصور می‌کنند.

خروج ۳/۲ میلیون نفر از مرزهای اربعینی

علی‌اکبر پورجمشیدیان، قائم‌مقام وزیر کشور و رئیس ستاد مرکزی اربعین با اشاره به آخرین آمار تردد زائران اربعین اظهار کرد: تاکنون بیش از سه میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از مرزهای اربعینی کشور خارج شده‌اند و بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر نیز از این مرزها وارد کشور شده‌اند. وی بر ضرورت مدیریت هوشمند سفر اربعین تأکید کرد و از زائران خواست برای رفت و برگشت، همه مرزهای اربعینی کشور را مورد توجه قرار دهند. پورجمشیدیان گفت: توزیع متوازن تردد میان مرزها، موجب کاهش فشار بر گذرگاه‌های پرتردد و ارتقای کیفیت خدمات‌رسانی خواهد شد. رئیس ستاد مرکزی اربعین با دعوت از مردم برای انتخاب مرزهای باشماق و تمرچین در سفر اربعین خاطرنشان کرد: استفاده بیشتر زائران از این مرزها علاوه بر بهره‌مندی آنان از امکانات موجود، به کاهش ازدحام در سایر مرزها به ویژه مرز مهران کمک خواهد کرد.

آغاز مرحله آزمایشی کریدور ترانزیتی دوشنبه-کابل-تهران

وزارت حمل‌ونقل تاجیکستان اعلام کرد که مرحله آزمایشی کریدور ترانزیتی دوشنبه-کابل-تهران در یک ماه آینده آغاز می‌شود. مقام‌های تاجیکستان گفته‌اند که با فعال شدن این مسیر، کالاهای تجاری تاجیکستان و ایران از خاک افغانستان عبور خواهد کرد و زمینه برای افزایش مبادلات تجاری و گسترش همکاری‌های اقتصادی میان سه کشور فراهم می‌شود. براساس گزارش‌ها، ایجاد این کریدور پس از امضای توافق‌نامه سه‌جانبه میان نمایندگان تاجیکستان، ایران و افغانستان در شهر مشهد دنبال شده است. در این توافق، سه طرف بر ایجاد یک گروه کاری مشترک، کاهش موانع ترانزیتی، بهبود خدمات مرزی و ساده‌سازی روند انتقال کالاها تأکید کرده‌اند. مقام‌های تاجیکستان امیدوارند این مسیر بتواند ارتباطات تجاری میان آسیای مرکزی و کشورهای منطقه را تقویت کرده و فرصت‌های تازه‌ای برای توسعه همکاری‌های اقتصادی ایجاد کند. کشورهای آسیای مرکزی در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند با ایجاد مسیرهای جدید ترانزیتی، وابستگی خود به مسیرهای سنتی تجارت را کاهش دهند و دسترسی بیشتری به بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی پیدا کنند.

تهدید معتبر ایران در حمله به زیرساخت‌های منطقه باعث شد کاخ سفید برای هفتمین بار از اولتیماتوم شروع جنگ زیرساختی عقب‌نشینی کند

وحشت ترامپ و شرکا





مهدی سیف‌تبریزی
گروه سیاسی

دونالد ترامپ بار دیگر نشان داد میان ادبیات تهدید و واقعیت میدان، فاصله‌ای قابل‌توجه وجود دارد. رئیس جمهور آمریکا که در روزهای گذشته با لحنی دیوانه‌وار، ایران را به حملاتی «بی‌سابقه» و «سرنوشت‌ساز» تهدید کرده و با تعیین ضرب‌الاجل، تلاش داشت فضای روانی داخل آمریکا و بین‌الملل را به سود کاخ سفید تغییر دهد، در چند ساعت مانده به پایان اولتیماتوم، ناگهان از توقف عملیات و فراهم شدن زمینه برای یک توافق سخن گفت؛ عقب‌نشینی که بار دیگر این پرسش را در محافل سیاسی و رسانه‌ای جهان زنده کرد؛ چرا تهدیدهای واشنگتن، درست در لحظه تصمیم‌گیری، جای خود را به عقب‌نشینی می‌دهد؟ در یک هفته گذشته، کاخ سفید و متحدانش با بهره‌گیری از جنگ روانی، تحرکات نظامی و فضاسازی رسانه‌ای این تصور را القا می‌کردند که آمریکا در آستانه آغاز دور تازه‌ای از حملات گسترده علیه ایران قرار دارد. رسانه‌های غربی از آماده‌سازی سناریوهای نظامی، رایزنی‌های فشرده واشنگتن و تل‌آویو و استقرار تجهیزات جدید نظامی در منطقه خبر می‌دادند و شخص ترامپ نیز با انتشار پیام‌های تهدیدآمیز در شبکه «تروث سوشال» می‌کوشید این تصویر را ایجاد کند که گزینه نظامی بیش از هر زمان دیگری به اجرا نزدیک شده است اما برخلاف این نمایش قدرت، شمارش معکوس کاخ سفید نه به آغاز جنگ، بلکه به اعلام توقف حمله و عقب‌نشینی از تهدیدی ختم شد که خود ترامپ آن را اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌داد. این هفتمین بار است که رئیس جمهور آمریکا پس از گذشت بیش از صد روز از خاتمه جنگ رمضان با ایجاد تهدید به حمله همه‌جانبه و ضرب‌الاجل، در آخرین ساعات مسیر دیگری را انتخاب می‌کند. به همین دلیل، بسیاری از تحلیلگران غربی از رسانه‌هایی چون گاردین، فایننشال تایمز و آکسیوس تا کارشناسانی مانند تریتا پارسی، این تغییر موضع را صرفا یک تصمیم تاکتیکی نمی‌دانند؛ بلکه آن را نتیجه افزایش هزینه‌های هرگونه رویارویی مستقیم با ایران ارزیابی می‌کنند. از نگاه آنان، گرچه ترامپ همچنان می‌کوشد با حفظ ادبیات تهدید، اهرم فشار سیاسی خود را از دست ندهد اما واقعیت‌های میدانی و ملاحظات ژئوپلیتیک بار دیگر او را وادار کرد میان ورود به جنگی پرهزینه و عقب‌نشینی از اولتیماتوم خود، گزینه دوم را انتخاب کند. اکنون پرسش اصلی این نیست که چرا ترامپ تهدیدهای پی‌درپی و توخالی می‌دهد؛ بلکه این است که چه عواملی او را وادار می‌کند در واپسین ساعات، از اجرای همان تهدیدی که بارها بر آن تأکید کرده بود، عقب‌نشینی کند؟ بررسی گزارش‌های منتشرشده در رسانه‌های معتبر بین‌المللی و ارزیابی تحلیلگران نشان می‌دهد پاسخ این سؤال را باید در چهار متغیر به‌هم‌پیوسته جست‌وجو کرد: بازدارندگی ایران، فشار متحدان عرب آمریکا، محاسبات سیاسی کاخ سفید و در نهایت ملاحظات اقتصادی و انرژی؛ عواملی که در کنار یکدیگر، هزینه جنگ را برای واشنگتن به سطحی رسانده که حتی رئیس‌جمهوری با ادبیات تهاجمی ترامپ نیز حاضر به پذیرش آن نشده است.

بازدارندگی ایران؛ تهدید ایران معتبر است

گرچه دونالد ترامپ توقف حملات را با فراهم شدن زمینه گفت‌وگو توجیه کرد اما بخش مهمی از تحلیل‌های منتشرشده در رسانه‌ها و اندیشکده‌های غربی، دلیل اصلی این چرخش را افزایش هزینه‌های هرگونه اقدام نظامی علیه ایران می‌دانند. به باور این تحلیلگران، مسأله اصلی نه تغییر ناگهانی رویکرد کاخ سفید، بلکه تغییر محاسباتی است که در نتیجه احتمال پاسخ متقابل ایران شکل گرفته است. روزنامه فایننشال تایمز و گاردین در گزارش‌های خود تأکید کرده‌اند که نگرانی از گسترش جنگ به سراسر منطقه و پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی آن، یکی از عوامل اصلی تجدیدنظر واشنگتن در گزینه نظامی بوده است. از نگاه این رسانه‌ها، آنچه معادله را تغییر داد، صرف تهدید ایران نبود، بلکه باور تصمیم‌گیران آمریکایی به واقعی بودن ظرفیت پاسخ متقابل تهران بود؛ ظرفیتی که می‌توانست دامنه درگیری را از مرزهای ایران فراتر ببرد.

در همین چارچوب، تریتا پارسی، معاون مؤسسه کوئینسی نیز معتقد است ترامپ بار دیگر از تهدید به تشدید گسترده تنش عقب نشست؛ زیرا این تهدیدها بیش از آن‌که بر آمادگی برای جنگ استوار باشد، بخشی از راهبرد فشار و امتیازگیری سیاسی بود. به اعتقاد او، هرگونه رویارویی مستقیم با ایران می‌توانست پیامدهایی سنگین برای آمریکا، منطقه و اقتصاد جهانی به همراه داشته باشد.

برآیند این تحلیل‌ها نشان می‌دهد بازدارندگی فقط به معنای برخورداری از توان نظامی نیست، بلکه زمانی معنا پیدا می‌کند که طرف مقابل، هزینه اقدام را بیش از منافع آن ارزیابی کند. به نظر می‌رسد در بحران اخیر نیز همین موازنه هزینه و فایده، نخستین و مهم‌ترین عامل در عقب‌نشینی مجدد کاخ سفید از حمله به ایران بود. ایران قطعا به وعده خود عمل می‌کند و هرگونه هدف قرار گرفتن زیرساخت‌های انرژی در ایران را در کشورهای متحد آمریکا در منطقه پاسخ خواهد داد.

فشار متحدان عرب؛ زنگ خطر برای واشنگتن

در کنار باور توان بازدارندگی کشورمان در میان طیف گسترده‌ای از تحلیلگران بین‌المللی، مخالفت و نگرانی متحدان عرب آمریکا نیز به یکی از عوامل مهم تغییر محاسبات کاخ سفید تبدیل شد. برخلاف تصور رایج، این بار نه‌تنها کشورهای عربی از تشدید تنش استقبال نکردند، بلکه بسیاری از آنها با هشدار درباره پیامدهای یک جنگ فراگیر، واشنگتن را به خویشتنداری فراخواندند. گزارش آکسیوس به نقل از منابع آگاه فاش کرد که محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی در تماس با دونالد ترامپ نگرانی خود را از برنامه حملات گسترده علیه ایران ابراز کرده و نسبت به تبعات آن برای امنیت منطقه هشدار داده است.

نگرانی اصلی کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، احتمال گسترش درگیری به زیرساخت‌های حیاتی انرژی بود. طی سال‌های اخیر، حملات به تأسیسات نفتی عربستان و افزایش توان موشکی و پهپادی ایران که در روزهای گذشته با هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکایی در اردن به نمایش درآمد، این واقعیت را به رهبران منطقه یادآوری کرده است که هرگونه رویارویی مستقیم میان تهران و واشنگتن، به احتمال زیاد از مرزهای دو کشور فراتر خواهد رفت.

شاید بتوان گفت تماس‌های تلفنی عراقچی در ساعات پایانی ضرب‌الاجل ترامپ با همتایان عربستانی، پاکستانی و ترکیه‌ای خود و تاکید بر این موضع که هرگونه تجاوز، اقدام خصمانه امریکا و رژیم صهیونیستی یا مشارکت و همراهی کشورهای منطقه با پاسخ قاطع و متناسب نیروهای مسلح مقتدر کشور مواجه خواهد شد و مسئولیت تمام پیامدهای ناشی از چنین ماجراجویی‌هایی بر عهده مسببان آن خواهد بود بر تصمیم‌گیری حکام عرب مؤثر بوده است. از همین رو، بسیاری از تحلیلگران غربی معتقدند تماس‌های فشرده ریاض، دوحه و دیگر پایتخت‌های عربی با واشنگتن، بیش از آن‌که تلاش برای میانجیگری سیاسی باشد، تلاشی برای جلوگیری از سرایت جنگ به اقتصاد و امنیت خلیج‌فارس بود. به باور شماری از کارشناسان، اگرچه درخواست رهبران عرب برای توقف حمله اهمیت داشت اما این درخواست خود ریشه در یک واقعیت مهم‌تر دارد؛ این‌که آنها نسبت به توان پاسخ متقابل ایران اطمینان دارند و نمی‌خواهند هزینه رویارویی آمریکا و اسرائیل را اقتصادهای منطقه بپردازند. به بیان دیگر، نگرانی هم‌پیمانان واشنگتن نیز در نهایت به همان معادله بازدارندگی بازمی‌گشت؛ معادله‌ای که هزینه آغاز جنگ را برای آمریکا و متحدانش به‌مراتب سنگین‌تر از منافع احتمالی آن نشان می‌داد.

محاسبات سیاسی کاخ سفید
پرهیز از جنگ به جای نمایش قدرت

اگر دو عامل نخست به محیط بیرونی و تحولات منطقه مربوط می‌شد، عامل سوم به محاسبات سیاسی خود دونالد ترامپ بازمی‌گردد. رئیس جمهور آمریکا در ماه‌های گذشته قصد داشت با حفظ ادبیات تهدید، هم ایران را تحت فشار نگه دارد و هم چهره‌ای مقتدر از خود در برابر افکار عمومی آمریکا و متحدانش به نمایش بگذارد اما آغاز یک جنگ جدید، الزاما به معنای یک پیروزی سیاسی نیست؛ به‌ویژه اگر پایان و پیامدهای آن قابل پیش‌بینی نباشد. بسیاری از رسانه‌های غربی، تغییر موضع ترامپ را تلاشی برای حفظ اهرم فشار بدون گرفتار شدن در یک درگیری فرسایشی ارزیابی کرده‌اند. از این منظر، اعلام شکل‌گیری «چارچوبی برای توافق» از سوی ترامپ، بدون پذیرش آشکار عقب‌نشینی، توقف حمله را به‌عنوان یک تصمیم سیاسی و دیپلماتیک معرفی کرد.

در فضای رسانه‌ای آمریکا نیز بسیاری از تحلیلگران این رفتار را ادامه الگوی همیشگی ترامپ توصیف کردند؛ الگویی که بر پایه تهدیدهای حداکثری، افزایش فشار روانی و سپس تغییر مسیر در آخرین لحظات استوار است. از این منظر، عقب‌نشینی اخیر بیش از آن‌که نشانه کنار گذاشتن گزینه نظامی باشد، تلاشی برای حفظ اعتبار سیاسی، بدون پرداخت هزینه‌های یک جنگ پرمخاطره تلقی می‌شود.

اقتصاد؛ پاشنه آشیل تصمیم نظامی واشنگتن

در کنار ملاحظات امنیتی و سیاسی، عامل اقتصادی نیز در تغییر تصمیم کاخ سفید نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. هرگونه درگیری مستقیم با ایران، به‌ویژه در منطقه خلیج‌فارس، می‌تواند بازار جهانی انرژی را با شوکی کم‌سابقه روبه‌رو کند؛ سناریویی که نه‌تنها به اقتصادهای وابسته به نفت در منطقه، بلکه به اقتصاد آمریکا و شرکای غربی آن نیز آسیب می‌رساند. به همین دلیل، بسیاری از تحلیلگران اقتصادی و رسانه‌هایی مانند بلومبرگ، فایننشال تایمز و رویترز هشدار دادند که تشدید جنگ، افزایش قیمت نفت، اختلال در زنجیره تأمین انرژی و موج تازه‌ای از بی‌ثباتی در بازارهای جهانی را به دنبال خواهد داشت. در همین چهارچوب، برخی گزارش‌ها از نگرانی کشورهای عربی نسبت به امنیت سرمایه‌گذاری‌های کلان و پروژه‌های اقتصادی مشترک با آمریکا حکایت داشت. از نگاه این کشورها، گسترش جنگ نه‌تنها صادرات نفت و گاز، بلکه برنامه‌های توسعه‌ای و جذب سرمایه خارجی را نیز با تهدید جدی مواجه می‌کرد. همین ملاحظات سبب شد رهبران عرب، بیش از هر زمان دیگری بر جلوگیری از تشدید بحران تأکید کنند.

مجموع این عوامل نشان می‌دهد تصمیم ترامپ صرفا یک عقب‌نشینی نظامی نبود، بلکه نتیجه برآیند چهار متغیر به‌هم‌پیوسته بود؛ بازدارندگی ایران، فشار متحدان عرب، محاسبات سیاسی کاخ سفید و نگرانی از تبعات اقتصادی جنگ. به همین دلیل، بسیاری از ناظران معتقدند هرچند گزینه نظامی همچنان در ادبیات واشنگتن باقی خواهد ماند اما تا زمانی که این چهار متغیر پابرجا باشد، تبدیل تهدید به اقدام عملی با موانع جدی روبه‌رو خواهد بود.

برش

روایت سی‌ان‌ان از چرایی عقب‌نشینی ترامپ

بعد از عقب‌نشینی ترامپ از تهدید دوباره‌اش به تشدید حملات نظامی علیه ایران، سی‌ان‌ان در تحلیلی به قلم برد لندون، خبرنگار ارشد امور نظامی این شبکه، گزارش داد تحلیلگران فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ بر متحدان واشنگتن در منطقه را یکی از دلایل تمایل این کشورها به توقف جنگ آمریکا علیه ایران عنوان کرده‌اند. در ادامه این گزارش اذعان شده که ایران به‌رغم تحمل فشار اقتصادی و ضربه به توان نظامی‌اش در حملات چند ماهه، همچنان از توان ضربه‌زنی برخوردار است که حملات مرگبار این کشور به نیروهای آمریکایی در منطقه طی یک ماه گذشته آن را نشان داده است. طبق این گزارش، در همین حال، ارتش آمریکا با پرسش‌های جدی درباره توانایی خود برای دفاع از نیروهایش روبه‌روست؛ زیرا ذخایر موشک‌های رهگیر سامانه‌های پاتریوت و تاد به‌طور فزاینده‌ای رو به کاهش است. براساس گزارشی که مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی (CSIS) هفته گذشته منتشر کرد، موجودی موشک‌های رهگیر پاتریوت، مهم‌ترین موشک دفاعی در زرادخانه آمریکا، از ۲۳۳۰ پیش از آغاز جنگ به بین ۷۵۹ فروند کاهش یافته؛ یعنی به حدود یک‌سوم سطح پیش از جنگ رسیده است. براساس گزارش این مرکز، شمار موشک‌های رهگیر سامانه تاد که برای رهگیری موشک‌های بالستیک پیش از نزدیک شدن آنها به هدف طراحی شده هم از ۴۵۲ فروند پیش از آغاز جنگ به ۲۷۸ فروند یا کمتر کاهش یافته است. به گزارش سی‌ان‌ان، در دریا هم شناورهای نیروی دریایی آمریکا با مأموریت‌های طولانی‌مدت مواجه شده‌اند؛ موضوعی که می‌تواند برنامه‌های ضروری تعمیر و نگهداری آنها را به تعویق بیندازد. براساس این تحلیل، فشار بر نیروهای آمریکا طی هفته‌های اخیر بیش از پیش افزایش یافته و این مسأله پرسش‌هایی را درباره توانایی واشنگتن برای وارد کردن ضربه‌ای قاطع در این جنگ برانگیخته است.

یادداشت

سیدمحمدمرندی | استاد دانشگاه

دست بالای جبهه مقاومت در برابر متحدان آسیب‌پذیر آمریکا

در ایام اخیر، آمریکا و کشورهای همسو با آن قدم‌هایی در جهت گسترش جنگ از جمله بمباران فرودگاه بین‌المللی صنعا و بندر الحدیده، بمباران مقرهای نیروهای مسلح عراق و همچنین حمله به کشتی ایرانی در دریای خزر برداشته‌اند.

به‌نظر می‌رسد این اقدامات بیش از آن‌که به نفع دولت آمریکا و رژیم‌های همراه باشد، به زیان آنها تمام می‌شود چراکه این رویدادها به دولت یمن و انصارالله این فرصت را داد تا متقابلا به رژیم سعودی فشار وارد کنند. از طرف دیگر، در عراق نیز این اقدامات باعث خشم و عصبانیت ملت عراق شد و مقاومت عراق را برای پاسخگویی به این جنایات مصمم‌تر کرد.

همچنین تحرکات اوکراین- چه علیه ایران و چه علیه روسیه- موجب شد در ایام اخیر، دولت روسیه حملات خود علیه اوکراین را افزایش دهد و جنگ عملا وارد مرحله جدیدی شود.

به‌نظر همین عوامل در کنار قدرت بازدارندگی ایران- به‌ویژه پس از حملات اخیر به مواضع آمریکا در اردن- باعث شده آمریکایی‌ها با نگرانی به میدان نبرد بنگرند و نسبت به رفتار و اقدامات آینده خود دچار تردید شوند. طرف آمریکایی می‌داند اگر این جنگ گسترش یابد، جبهه مقاومت دست بالا را خواهد داشت. مجموعه متحدان ایران شامل عراق، یمن و حزب‌الله، از مجموعه متحدان آمریکا توانمندتر و قدرتمندتر هستند؛ به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس که با آسیب‌پذیری فوق‌العاده‌ای مواجهند چون اگر زیرساخت‌های‌شان آسیب ببیند، این حکومت‌ها عملا توان ادامه دوام و حیات نخواهند داشت. این کشورهای بیابانی جز نفت و گاز چیز دیگری ندارند و آسیب دیدن زیرساخت‌های‌شان باعث فروپاشی آنها خواهد شد.

به همین دلیل، اگرچه خطر افزایش تنش از سوی آمریکا همواره وجود دارد و ترامپ شخصیتی غیرعادی و بی‌رحم است و امکان دارد دست به جنایات گسترده‌ای بزند اما توان غلبه بر جمهوری اسلامی ایران و متحدانش را ندارد. بنابراین چه جنگ گسترش یابد و چه نیابد، شرایط منطقه‌ای همزمان به نفع کشور ما و متحدان ماست.

درواقع موضع جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات ترامپ مبنی بر زدن زیرساخت‌ها موضعی بسیار درست است. کشورهای منطقه‌ای که به ترامپ کمک می‌کنند، در صورت وقوع چنین عملیاتی، زیرساخت‌های‌شان از بین خواهد رفت و عملا این کشورها از هستی ساقط می‌شوند.

فراتر از اینها وقتی این کشورها از هستی ساقط شوند، بازار جهانی به هم خواهد ریخت چراکه دیگر امیدی به بازگشت این کشورها به بازار انرژی، هلیوم، کود و دیگر بازارها نخواهد بود و در آن زمان، بازار جهانی با یک شوک خردکننده مواجه خواهد شد.

بنابراین تهدید متقابل جمهوری اسلامی ایران که هم شرعی، هم عقلانی و هم پس از ماه‌ها صبر و تحمل اعلام شده بزرگ‌ترین عامل برای جلوگیری از وحشی‌گری بیشتر ترامپ خواهد بود. در هر صورت، اگر آمریکا به این سمت حرکت کند، پاسخ ایران چنان دردآور خواهد بود که در نهایت دولت آمریکا مجبور به عقب‌نشینی می‌شود. علت اصلی این‌که در حال حاضر آمریکایی‌ها نسبت به گسترش جنگ تردید دارند، همین تهدید ایران به پاسخگویی قاطع است.

یادداشت

مجتبی ذوالنوری | نماینده مجلس شورای اسلامی

ابعاد ادعاهای عملیاتی ترامپ و بازدارندگی ایران

در شرایط کنونی ضروری است تاکید شود که هیچ‌گونه مذاکره مستقیم یا غیرمستقیم با ایالات متحده در جریان نیست و ادعاهای مطرح شده از سوی ترامپ مبنی بر احتمال حصول نتیجه سریع از طریق مذاکره، فاقد اعتبار است. آنچه هم‌اکنون در جریان است، صرفا گفت‌وگوهای دوجانبه میان جمهوری اسلامی ایران و عمان در راستای تعیین مسیر مورد توافق است و هیچ واسطه‌ای در این گفت‌وگوها حضور فیزیکی ندارد. بنابراین طرح موضوع مذاکره با آمریکا به‌عنوان پیوست ادعای عملیات نظامی، در زمره اقدامات فریبکارانه و عملیات روانی دولت ترامپ جای می‌گیرد.

در تحلیل چرایی اتخاذ چنین رویکردی از سوی دشمن باید به این نکته توجه داشت که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مقاطع گذشته، توانمندی و قاطعیت خود را در پاسخ به اقدامات خصمانه به اثبات رسانده‌اند. تجربه پاسخ گسترده به اقدامات متجاوزانه دشمن و انهدام تجهیزات پیشرفته آنها پیامی روشن از اقتدار و تسلیم‌ناپذیری به طرف مقابل مخابره کرده است. امروز دشمن نه‌تنها این توانمندی‌های هجومی را به وضوح مشاهده می‌کند بلکه از سوی کارشناسان و مشاوران خود نیز هشدار دریافت می‌کند که ذخایر سامانه‌های پدافندی «پاتریوت» و «تاد» ایالات متحده به کمتر از یک‌سوم تقلیل یافته است. این کسری مهمات به‌معنای آن است که اگر آمریکا عملیات جدیدی را آغاز کند، در صورت عدم رهگیری موشک‌ها و پهپادهای ایران، اهداف عملیاتی جمهوری اسلامی محقق خواهد شد؛ و اگر بخواهد به رهگیری بپردازد ذخایر لازم را در اختیار ندارد. نکته حائز اهمیت این که ایالات متحده به‌دلیل درگیری‌های احتمالی در سایر جبهه‌ها و تهدیدات علیه کشورهایی نظیر چین، روسیه و کره شمالی، قادر به شارژ مجدد و جبران این کسری‌های پدافندی نیست و تامین آن دست کم به سه سال زمان نیاز دارد.

با تکیه بر این واقعیت‌های فنی و نظامی روشن است که ادعای عملیات گسترده و جابه‌جایی تجهیزاتی نظیر هواپیماهای سوخت‌رسان، رادارهای پرنده و ناوهای هواپیمابر، صرفا یک عملیات روانی با هدف ایجاد هراس و وادار ساختن جمهوری اسلامی به تن دادن به مذاکره‌ای جدید برای تغییر مفاد توافق ۱۴ماده‌ای است. درواقع ترامپ به‌دنبال بهانه‌ای برای توجیه تغییر وضعیت نیروهای خود در قطر و بحرین بود چراکه این نیروها کاملا در تیررس توانمندی‌های هجومی ایران قرار دارند. خروج این نیروها در شرایط عادی به منزله شکست و عقب‌نشینی مفتضحانه تلقی می‌شد اما با ایجاد فضای کاذب عملیات نظامی، این خروج به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه جلوه داده شد تا از فشارهای داخلی در ایالات متحده جلوگیری شود.

در نهایت واقعیت میدانی این است که دولت ترامپ در باتلاقی عمیق گرفتار شده است. جمهوری اسلامی ایران با به‌روزرسانی مداوم بانک اطلاعات اهداف و زیرساخت‌های استراتژیک، آمادگی کامل برای پاسخ کوبنده را دارد؛ پاسخی که منجر به خروج متحدان منطقه‌ای آمریکا و بحران در بازار انرژی خواهد شد و عملیات تنگه هرمز را نیز به شکلی اجتناب‌ناپذیر قفل خواهد کرد. با استناد به درایت موجود، تنها مسیر خروج دشمن از این مخمصه، دست کشیدن از توهمات و پایبندی تمام‌عیار به اجرای مفاد تفاهم‌نامه ۱۴ماده‌ای است. جمهوری اسلامی ایران همواره نشان داده فریب توافق‌های ناقص، دست و پاشکسته یا تاکتیک‌های فریبکارانه را نخواهد خورد و تنها راه برون‌رفت، اراده‌ای واقعی برای اجرای دقیق تعهدات است.